

تبیین جایگاه ولایت فقیه در مبانی فکری جنبش حزب‌الله لبنان

علیرضا سمیعی اصفهانی^{۱*}، سیروس سپهدارنیا^۲، سارا فرحمند^۳

چکیده

تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ میلادی، به تشکیل جنبش حزب‌الله لبنان منجر شد اما در ورای این مسئله، موضوعات و مسائلی از قبیل روحانیون لبنانی تحصیل کرده نجف متأثر از افکار و اندیشه‌های امام خمینی(ره)، تحولات مربوط به لبنان، خصوصاً بی‌ثباتی سیاسی در لبنان در اثر جنگ داخلی، ناکارایی نخبگان در مدیریت بحران و گسترش روزافزون شکاف طبقاتی، تأثیر غیرقابل انکاری در ظهور حزب‌الله لبنان داشته‌اند. در حقیقت حزب‌الله لبنان با هدف مبارزه و مقاومت علیه رژیم صهیونیستی تأسیس گردید بطوری که بسیاری از موفقیت‌های حزب‌الله در وصول به این هدف، در مبانی و اعتقاد این جنبش ریشه داشته است. بر این پایه، هدف اصلی نوشتار حاضر این است که جنبه‌های معنوی و فکری ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران و جنبش حزب‌الله لبنان را مورد بررسی مقایسه‌ای قرار دهد و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که مفهوم ولایت فقیه در شکل‌دهی مبانی فکری و عقیدتی حزب‌الله لبنان چه نقشی را ایفا می‌کند؟ یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از متون موجود در این زمینه (کتاب‌ها، مقاله‌ها، روزنامه و سخنرانی‌ها)، نشان می‌دهد که حزب‌الله مدتی پس از تشکیل، ضمن هماهنگی با نظریه ولایت فقیه، با اتخاذ رویکردی انعطاف‌پذیر، نظام سیاسی لبنان را پذیرفت و با پیروی از خط ولایت فقیه برای تأسیس حکومت اسلامی لبنان تلاش کرد، با این وجود چندگانگی طایفه‌ای موجود در جامعه لبنان همچنان مانع از برقراری حکومت اسلامی در این کشور شده است.

کلید واژه‌ها: ولایت فقیه، امام خمینی(ره)، جمهوری اسلامی ایران، جنبش حزب‌الله لبنان، رژیم صهیونیستی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج asamie@yu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه یاسوج sirus1562@gmail.com
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور قزوین sfarahmand457@yahoo.com
*** نویسنده مسئول:** ایمیل asamie@yu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

(۱) مقدمه (طرح مساله)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حکومتی دینی در ایران اسلامی، بر پایه ولایت فقیه، به رهبری فقیه فرزانه حضرت امام خمینی(ره) شکل گرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، انقلابیون ایرانی ضمن حمایت از مظلومان در سراسر دنیا و مبارزه با استکبار، صدور و گسترش افکار آرمانی شیعه را در دستور کار خود قرار دادند و توانستند در میان بسیاری از کشورهای و جنبش‌ها تاثیر گذارده و به احیاء افکار انقلابی شیعی بپردازند که در این راستا یکی از تاثیرپذیرترین آنها جامعه لبنان به خصوص شیعیان این کشور بوده‌اند. با توجه به اینکه کشور لبنان یکی از استراتژیک‌ترین موقعیت‌ها را در میان کشورهای خاورمیانه داشته و با وجود تکثر قومی، مذهبی، نژادی و فرهنگی، همواره بی‌توجهی حکام لبنان به شیعیان، تسلط استعمار و نیروهای خارجی به خصوص رژیم صهیونیستی باعث شده تا همواره جنبش‌های اصلاحی یا انقلابی در این کشور، در راستای احیاء حقوق از دست رفته خود به جهاد مباردت ورزیده و این وضعیت شیعه را به صورت یک گروه مبارز در آورد. غلبه استبداد، استعمار و سایر طوائف بر شیعیان و در عین حال عدم سازماندهی شیعیان باعث شده بود تا آنها به سایر گروه‌ها تمایل پیدا کنند. انقلاب اسلامی ایران با مرکزیت ولایت فقیه به عنوان یک انقلاب با ایده‌های شیعی توانست هویت از دست رفته آنها را احیاء کرده و آنها نیز با بیداری، خواهان دستیابی به خواسته‌های پایمال شده خود بودند. در این راستا جنبش شیعی «حزب‌الله» با الهام گرفتن از ولایت فقیه ایران و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۸۲ در پی اشغال حومه بیروت توسط اسرائیل شکل گرفت و با الهام از ولایت فقیه ایران به عنوان مبانی فکری و عقیدتی خود، در راه رسیدن به هدف خود تلاش‌های بسیاری کرده‌اند. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که، مفهوم ولایت فقیه در شکل‌دهی مبانی فکری و عقیدتی حزب‌الله لبنان چه نقشی را ایفا می‌کند؟ در ادامه تلاش می‌گردد با بهره‌گیری از نظریه سازه‌نگاری به این پرسش پاسخ داده شود.

(۲) چارچوب نظری پژوهش: نظریه و رویکرد سازه‌نگاری^۴

ریشه سازه‌نگاری حداقل به آثار ویکو^۵ در قرن ۱۸ باز می‌گردد که به صورت نوعی روش‌شناسی قدیمی مورد استفاده و توجه فلسفه و تحقیقات تفسیری جامعه‌شناسان بوده است (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۳). در تئوری سازه‌نگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این هویت‌ها، تعیین‌کننده تعامل دولت‌ها هستند. سازه‌نگاری نگرشی نو به نقش عقلانیت در وضعیت‌ها و پدیده‌هایی دسته‌جمعی انسان‌هاست و همان‌گونه که بر ساختارهای مادی و اجتماعی تاکید می‌ورزد، ساختار هنجاری و معنوی را نیز دارای اهمیت تلقی می‌کند. نکته اساسی در رویکرد سازه‌نگاری آن است که نمی‌توان سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چهارچوب‌های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین‌المللی تقلیل داد (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

در دیدگاه سازه‌نگاری، آنچه که ساختارهای اجتماعی بشری را شکل می‌دهد، ایده‌ها و باورهای مشترک است. ساختارهای هنجاری، انگاره‌ای و نظام‌های معنایی تعیین می‌کنند که بازیگران چگونه محیط مادی خود را تفسیر کنند. (کرمی، ۱۳۸۳: ۱۶۲) ساختارهای معنایی و هنجاری از سه طریق تصور یا تخیل ارتباط و محدودسازی بر رفتار بازیگران و کشورها تاثیر می‌گذارند و به هویت‌ها و منافع آنها شکل می‌دهند. نخست، ساختارهای غیرمادی و هنجاری بر تعریف حوزه و قلمروی توانایی‌ها کشورها تاثیر می‌گذارند. یعنی چگونگی تفکر و تصور آنان نسبت به کارهایی که می‌توانند یا نمی‌توانند انجام دهند، محدودیت‌ها و محذورات ادراکی برای کنش آنان و راهبردهای متصوره که کشورها برای دستیابی به اهداف و منافعشان دارند را تعیین می‌کنند دوم، ساختارهای معنایی و فکری از طریق ارتباط، بر هویت و منافع کشورها تاثیر می‌گذارند. وقتی که تصمیم گیرنده یک کشور سعی می‌کند رفتار خود را توجیه کند، به هنجارها و ارزش‌های تثبیت شده رفتار مشروع، متوسل می‌شود. سوم، ساختارهای هنجاری و معنایی، حتی اگر از دو طریق فوق یعنی تخیل و ارتباط نتوانند بر هویت و منافع کشورها تاثیر بگذارند، محدودیت‌هایی را بر رفتار کشورها تحمیل می‌کنند. (Reus-Smit, 2005:198-199).

4. Structural

5. Wico

هنجارها، از نکات اصلی سازه‌انگاری است که نقش مهمی در شکل‌دهی هویت و منافع کشورها دارد. مثلاً هنجارهای ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلومان فلسطین و حزب‌الله لبنان که هنجارهای غالب در افکار و عقاید ولایت فقیه ایران است تا حدود زیادی حوزه تعامل و ارتباط ایران را با کشورهای حامی رژیم صهیونیستی نظیر ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای اروپایی را محدود می‌کند. در این نظریه، ساختار و کارگزار رابطه‌ای متقابل نسبت به هم دارند یعنی ساختار باعث به وجود آمدن کارگزار می‌شود و کارگزار نیز باعث پیدایش ساختار می‌شود. برای نمونه، هنجارهای اسلامی که به ولایت فقیه ایران در راس کشور اجازه می‌دهد تا به حمایت از مسلمانان از جمله حزب‌الله لبنان بپردازد، تا زمانی وجود خواهد داشت که این کشور به رفتارهای اسلامی خود ادامه دهد یعنی، هنجارهای داخلی و فراملی مشترک، نوع رفتار و هویت و منافع جمهوری اسلامی ایران را تعیین می‌کند و در نتیجه سیاست خارجی ایران مشخص می‌شود. بر این اساس، بر طبق مدل برسازه‌انگاری، هنجارهای بین‌الذاتی مشترک در دو سطح داخلی و بین‌المللی، هویت ملی ایران را شکل می‌دهند که نقش ملی خاصی را ایجاب می‌کند. این نقش‌ها به نوبه خود منافع ملی خاصی را تعیین می‌کنند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی را هدایت کرده و به رفتار آن شکل می‌دهند؛ مثلاً هنجار حمایت از مظلومان و مقابله با ظالمان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، باعث می‌شود که ولایت فقیه به عنوان رهبر ایران، از سویی نقش حمایتی و کمک به جنبش‌های اسلامی از جمله حزب‌الله لبنان را در پیش گیرد و از سویی دیگر نقش تضعیف‌کننده در مقابل اسرائیل را پیش گرفته و در صدد ضربه زدن به اسرائیل به‌عنوان دولتی ظالم و غاصب باشد. در این پژوهش با استفاده از مدل سازه‌انگاری به تحلیل جایگاه ولایت فقیه که ساختاری فکری و عقیدتی است در مبانی فکری حزب‌الله لبنان پرداخته می‌شود. و چگونگی تاثیرگذاری ساختارهای فکری و عقیدتی غیرمادی، مانند ایدئولوژی و جهان‌بینی و هنجارهای اسلامی ولایت فقیه و خط امام خمینی (ره) بر جنبش حزب‌الله بیان می‌گردد.

۳) ادبیات پژوهش

در خصوص حزب‌الله لبنان پژوهش‌های بسیاری در قالب کتب و مقالات صورت گرفته است که هر یک از نویسندگان از منظرهای مختلف به این مسئله پرداختند که در ادامه به چند مورد از آن اشاره می‌گردد:

سکینه گرمادشتی (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش حزب‌الله لبنان» به تاثیرپذیری جنبش حزب‌الله لبنان از انقلاب اسلامی پرداخته و می‌نویسد: پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گفتمان برخاسته از آن باعث شد تا مردم این سرزمین بخصوص شیعیان آن به مبارزات خود انسجام دهند و بعدها حزب‌الله لبنان بعنوان عمق راهبردی ایران، قویتر از دیگر گروه‌ها و مؤثرتر از آنها در مقابل تجاوزات رژیم صهیونیستی ایستاده و در بازسازی لبنان خود را نشان دهد

آزیتا بیدقی قره‌باغ (۱۳۹۳) در کتابی با عنوان «رهبر انقلابی سیدحسین نصرالله» به توانایی سیدحسین نصرالله به عنوان دبیرکل حزب‌الله در رهبری و پیشبرد این جنبش پرداخته و در ادامه ضمن تحلیل شرایط داخلی لبنان و تحولات منطقه مؤلفه‌های موجود در فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی ایران را در تکوین ویژگی‌های انقلابی سیدحسین نصرالله مورد بررسی قرار داده است

نوذر شفیعی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «تاثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه‌ای ایران» موضوع غافلگیری در این جنگ را بررسی کرده و می‌نویسد: رژیم صهیونیستی در این نبرد سنگین و همه‌جانبه به اهداف از پیش تعیین شده با هماهنگی آمریکا دست نیافت و تهاجم گسترده رژیم صهیونیستی با پیروزی رزمندگان مقاومت اسلامی پایان پذیرفت و به تبع این موفقیت، معادلات داخلی لبنان، رژیم صهیونیستی و منطقه دستخوش تغییر و تحولات اساسی و همچنین جایگاه منطقه‌ای ایران تقویت گردید

نعیم قاسم (۱۳۹۳) نیز در کتابی با عنوان «حزب‌الله لبنان، خط‌مشی، گذشته و آینده آن» با بررسی چگونگی تاسیس، اهداف، زمینه‌های فکری، تشکیلات، فعالیت‌های عمومی و دیدگاه‌های حزب‌الله لبنان نتیجه می‌گیرد که وضعیت اجتماعی و سیاسی حزب‌الله از زمان تاسیس تا به اکنون بهبود یافته است.

در پژوهش حاضر تلاش می‌گردد از منظر اندیشه‌ای، تاثیر جنبه‌های معنوی و فکری ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران بر جنبش حزب‌الله لبنان مورد بررسی مقایسه‌ای قرار گیرد.

۴) مبانی فکری ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران

۴-۱) ایده حکومت اسلامی و دیدگاه امام خمینی (ره)

امام (ره) از ابتدای قیام خود در اندیشه پایه‌گذاری حکومت اسلامی بود بیداری و هوشیاری ایشان در حدی بود که برای مراحل پس از سقوط شاه نیز چاره‌اندیشی کرده بود. هنگامی که فقه امام (ره) را مرور می‌کنیم، ولایت فقیه را در حقیقت یک قاعده فقهی اساسی برای تفکر درباره مساله حکومت می‌یابیم. ایشان مساله ولایت فقیه را طوری مطرح کردند که برای اولین بار فقه و سیاست تا این حد با هم آمیخته شد، وقتی که کتاب «حکومت اسلامی» را مرور می‌کنیم با فقهی مواجه می‌شویم که با ادله فقهی به اثبات نظریه می‌پردازد و مسئولیت عالم فقیه را، احساس و درک مشکلات و درد و رنج‌های مردم می‌داند، که این مهم میسر نخواهد شد مگر با حضور علما در صحنه و مبارزه آنها با انحرافات سیاسی موجود در جامعه اسلامی. آنچه در این نظریه مهم است عدم گوشه‌گیری و دوری علما از حوادثی است که در درون جامعه اتفاق می‌افتد و تأثیرات منفی آن متوجه جامعه اسلامی می‌گردد؛ چه داخل ایران و چه خارج آن باشد.

۴-۲) ولایت فقیه و امام خمینی (ره)

«ولایت» در لغت از واژه‌ی «ولی» به معنای «قرب» و «نزدیکی» مشتق شده و به معنای یاری، نصرت و سلطان است (جوهری، ۱۳۷۹: ۲۵۲۹-۲۵۳۰) قدر مشترک همه این معانی، همان قرب معنوی بوده و با این حال در اصطلاح ولایت فقیه، «ولی» به مفهوم سرپرستی است (جوادی املی، ۱۳۷۹: ۲۶). ولایت فقیه یعنی اداره امور جامعه در زمان غیبت امام عصر (عج) توسط فقهایی است که بر کتاب و سنت احاطه داشته و دارای شرایطی مانند عقل، علم، توانایی، عدالت و آگاهی به زمان، حافظ دین و مخالف هوای نفس باشند که ولایت فقیه به این معنا ضامن اجرای قوانین اسلام است. (Moradi and Humble, 2010: 18) (مرادی و فروتن، ۱۳۸۹: ۱۸۴).

امام خمینی (ره) پس از اثبات نیاز مبرم به استقرار یک دولت اسلامی تحت حاکمیت شریعت، چنین نتیجه می‌گیرد که رهبری چنین دولتی نمی‌تواند جز به دست شخصی که در زمینه قوانین شرعی خبره باشد، همانند یک فقیه، سپرده شود. وی با استناد به پاره‌ای منابع دینی می‌گوید که تبحر و سلطه فقیهان در امور دین، آنان را وارث قدرت سیاسی و دینی پیامبر (ص) و ائمه (ع) در دوران غیبت کبری می‌سازد. فقیهان قبل از امام خمینی، وجوب تصدی و ریاست حکومت دنیوی را توسط فقیه مطرح نساخته‌اند. بیشترین حد قدرت سیاسی که برای فقها در نظر بود، دخالت گاه و بی‌گاه آنان در امور سیاسی برای رفع مظالم و حمایت از ضوابط دینی و اخلاقی جامعه بوده است. علما نیز به حق فقها در به جا آوردن حدود، فتوا داده‌اند اما این اختیار در محدوده نقش نمایندگان شرعی به نیابت از ملت و نه حاکمان بر ملت بوده است (Gregory Rose, 1983:170).

امام خمینی مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی را لازمه اعتقاد به ولایت فقیه می‌داند و در این نوع حکومت که تحت نظر و اداره ولی فقیه است و استناد به حادثه غدیر خم و تعیین خلافت و ولایتی امر مسلمین برای حضرت علی(ع) و فتوحات ایشان بر تشکیل حکومت اسلامی تأکید دارند.

۴-۳) نظارت ولی فقیه بر حکومت

از آنجا که دین به امور سیاسی و اجتماعی نیز بی‌اعتنا نیست و باید به نوعی در صحنه اجتماعی حضور داشته باشد، راه حفظ دین و جامعه و سیاست از انحراف، نظارت فقیه بر امور جامعه است همچنین با این نظارت نیز می‌توان حکومت را به صورت دینی حفظ کرد. اصولاً ضمانت اجرایی نظارت فقیه، خود مردم هستند. از آنجا که فرض بر این است که مردم دیندارند، فقیه با نظارت خود در صورت مشاهده خلاف شرع در قوانین و تصمیمات، آن را به مسئولین ذی‌ربط اطلاع می‌دهد و در صورت عدم توجه مسئولین مربوطه آن را به اطلاع عموم می‌رساند و از آنجا که مردم دیندارند، به ندای فقیه ناظر، لبیک گفته و علیه خلاف واقع شده، خواهند شورید و به این ترتیب مانع تحقق خلاف شرع در جامعه اسلامی خواهند شد.

امام(ره) به مسئولان آزادی عمل می‌داد و از نزدیک حرکات و اعمال آنها را زیر نظر داشت و به هنگام اشتباه، آنان را متنبه می‌ساخت. از نکات مثبت حرکت ایشان انتقاد از مسئولان در جو آزاد و در حضور ملت بود. هیچگاه انتقادها در پس پرده صورت

نمی‌گرفت؛ بلکه اشتباهات مسئولین در حضور ملت گوشزد می‌شد. هدف از این حرکت تربیت ملت به صراحت، عدم پنهان‌کاری و تحرکات پشت پرده بود. ایشان با وضوح و صراحت با ملت سخن می‌گفت و از مسئولان نیز انتظار داشت که در حضور ایشان با کمال شهامت تمام مسائل و مشکلات را عنوان کنند (کدیور، ۱۳۷۸: ۱۳۷-۱۳۶).

حضرت امام (ره) نه تنها به عنوان یک ناظر عالی هم در صحنه مبارزه با شاه و هم در صحنه انقلاب و بعد از پیروزی آن ظاهر شدند، بلکه به عنوان یک ولی اجتماعی، جامعه را به سمتی که می‌بایست هدایت کردند و در مواضع مختلف اجتماعی، دستور-العمل‌های لازم را صادر و مردم را به تظاهرات علیه شاه در زمان‌های مختلف فرا خواندند، دستورالعمل‌های مشخص و راهگشایی را به مسئولین اجرایی کشور در مقاطع مختلف ابلاغ فرمودند و پرونده زعامت امام خمینی (ره) سرشار از نظارت‌های تعیین‌کننده در صحنه‌های مختلف اجتماعی است. ایجاد حادثه‌های اجتماعی و حل بحران‌ها و تضعیف و تحقیر جبهه باطل جز از طریق اعمال ولایت و ایجاد حادثه‌های اجتماعی امکان‌پذیر نبود.

۴-۴) جامع بودن شریعت

باور به جامع بودن دین اسلام مبنای دیگر ولایت فقیه است و نقش زیربنایی در پیدایی این نظریه دارد. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل، ۸۹) «و این کتاب را که روشن‌گر هرچیز است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم.» «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ..» (مائده، ۳) امروز من دین شما را برای شما کامل کردم. دین جامع همه علوم و معارف بشری است و در همه عرصه‌های زندگی مادی و معنوی، همه مسائل نظری و عملی را در سطح کلان و جزئی بیان می‌کند و تعالیم آن ما را از هرگونه تلاش فکری در شناخت انسان و جهان و ابعاد مختلف زندگی بی‌نیاز می‌کند. و لذا دین نظام‌های لازم جهت اداره جامعه را در بر دارد و می‌توان علوم اجتماعی، سیاسی و تجربی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، علم سیاست، فیزیک و شیمی و حتی علوم کامپیوتری و... را از دین استخراج کرد. برخی از آیات قرآن، اسلام را دین جهانی معرفی می‌کند که خداوند آن را برای تمام بشریت هدیه کرده است، نه برای یک گروه و یا منطقه خاصی، مانند، «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا»؛ بگو ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم (اعراف، ۱۵۸) «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده‌ایم (انبیاء، ۱۰۷) لازمه جهانی بودن دین خاتم آن است که متناسب با جوامع مترقی دیگری غیر از جامعه جزیره‌العرب، نیز سخنی داشته باشد تا مایه هدایت و راهنمایی آنها نیز شود.

۴-۵) امامت و رهبری مقام دینی رسول اکرم (ص)

مبنای فکری دیگری که در فهم و پذیرش نظریه ولایت فقیه نقش دارد تصدیق و باور به شأن و سمت حکومتی پیامبر(ص) است. پیامبر(ص) بر اساس رسالت خویش وظیفه داشته در جامعه حکومت تشکیل دهد و مؤمنان را رهبری کند. بنابراین پس از مرحله تشکیل حکومت و اسلامی بودن آن مرحله عهده‌داری حکومت توسط فقیه پیش می‌آید.

نبوت و پیامبری به معنای ابلاغ وحی و راهنمایی مردمان برابر رهنمودهای وحی است. پیامبر یعنی راهنما کسی که راه را نشان می‌دهد. ولی بشر افزون بر راهنمایی به رهبری نیاز دارد. نیازمند است به فرد یا گروه و دستگاهی که زندگی جمعی او را سامان و سازمان بخشد و در جهت رشد و اعتلای انسانها از نیروها و استعدادهای آنان به گونه صحیح بهره‌برداری کند. این گونه رهبری که عهده‌دار رشد ابعاد انسانی و الهی بشر است امامت نامیده می‌شود. پیامبران بزرگ هر دو سمت را دارند هم نبی و هم امام هستند. پیامبر اسلام در میان مسلمانان هم مبلغ وحی بود و هم از سوی خداوند زعامت و رهبری جامعه ایمانی را بر عهده داشت. در این که پیامبر(ص) شأن و سمت رهبری داشت و این سمت الهی بود یعنی خداوند آن حضرت را امام و رهبر قرار داد همه مسلمانان اتفاق رأی دارند. (مطهری، بی تا، ۲۸۱).

۵) مشی فکری و عقیدتی حزب‌الله لبنان

۵-۱) التزام فکری و عملی جنبش حزب‌الله لبنان به ولایت فقیه

پس از تشکیل نخستین شورای رهبری حزب‌الله در سال ۱۳۶۱، اعضای این شورا در سفر به ایران با امام خمینی (ره) دیدار کردند که عباس موسوی گزارش عملکردشان را به امام داد. امام (ره) فرمودند: مهم عمل است، شما در مرحله‌ای کربلایی قرار دارید، توقع نداشته باشید که ثمره عملتان را در دوران حیات خود بچشید (فضل‌الله، ۱۹۹۸: ۴۱). سیدحسین نصرالله^۶ می‌گوید: «از نظر ما امام خمینی (ره) مرجع دینی، امام، رهبر به تمام معنای کلمه سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها، مستکبران و نظام‌های استبدادی است. (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۷۵) وی هم‌چنین در گفت‌وگو با خبرنگار هفته‌نامه‌ی «تایمز»^۷ آشکارا ابراز داشت: «آیت‌الله خامنه‌ای ولی فقیه است. او به‌عنوان ولی فقیه توصیه‌هایی به حزب‌الله می‌کند. این توصیه‌ها نه فقط در ملاقات‌های خصوصی که در سخنرانی‌های عمومی هم می‌آید.» (زمانی محبوب، ۱۳۷۸: ۱۶۲-۱۶۳) شیخ نعیم قاسم^۸ - جانشین دبیر کل حزب‌الله می‌گوید: «ارتباط با ولایت، تکلیف و التزامی است که همه مکلفان را در بر می‌گیرد، حتی اگر مقلد مرجع تقلید دیگری هم باشند» (نعیم قاسم، ۱۳۸۳: ۲۶).

پذیرش کامل نظریه فقیه و حاکم نمودن آن بر شئون مردمی و سازمانی، مبنا قرار دادن آن در همگرایی‌ها و واگرایی‌ها، ملاک دانستن و انطباق باید‌ها و نبایدهای خود با آن، لحاظ نمودن جایگاه علمای دینی و روحانیون در رفتارهای سازمانی و جهت‌گیری‌های مقاومتی، نمونه‌هایی از حلقه‌های اتصال حزب‌الله با مقام ولایت است. این مسئله اصلی‌ترین ویژگی حزب‌الله در مقایسه با گروه‌های اسلام‌گرا در جهان به شمار می‌آید. در دیدگاه‌های حزب‌الله آمده است: «در خصوص ولایت امر، ما خود را به ولایت مرجعیت رشیدی پایبند می‌دانیم. این ولایت فقیه و مرجعیت دینی، شایستگی زعامت دینی، سیاسی و رهبری مسلمانان را دارد. ویژگیها و خصوصیات جغرافیایی، ملی و مصلحتی در این مرجعیت نقشی نداشته است، بلکه یک موضوع شرعی است» (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۷۵).

نکته مهم این است که تعهد حزب‌الله به ولایت فقیه و التزام به ارشادات و اوامر ولی فقیه، انحصار به یک حوزه جغرافیایی مطرح نیست و محدود به لبنان نمی‌شود.

حزب‌الله از رهبری ولایت فقیه در احکام پیروی می‌کرد و هم‌چنین در بین اعضای جنبش حزب‌الله نوعی تجسم سیاسی عمومی نسبت به ولایت فقیه وجود داشت (40 : Hizbullah's Documents, 1985). دکتر صفی‌الدین می‌گوید: «بنده به جرأت می‌توانم بگویم که التزام به فرامین ولایت فقیه حد و مرز نمی‌شناسد. حزب‌الله همیشه خود را ملتزم به فرامین ولایت فقیه می‌داند.

(زمانی محبوب، ۱۳۸۷، ۵۸). سیدابراهیم‌الامین^۹، از رهبران تشکیلات حزب‌الله، چنین بیان می‌دارد: «ما در روند تصمیم‌گیری، صرفاً بر فقیه تکیه داریم. فقیه مرز جغرافیایی نمی‌شناسد بلکه این مشروعیت اسلامی است که فقیه را معرفی می‌کند. به همین شکل هیچ فاصله‌ای میان مسلمانان لبنان و مسلمانان ایران وجود ندارد. ما در لبنان، خود را جدا از انقلاب اسلامی ایران نمی‌دانیم.»

(اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۷۷) حزب‌الله مهم‌ترین ویژگی خود را در پیوند دادن مردم با ولی فقیه می‌داند ولی فقیه‌ی که نباید ضرورتاً لبنانی باشد، زیرا این جغرافیای اسلام است و نه جغرافیای لبنان که مرز و عرصه فعالیت‌های حزب‌الله را مشخص می‌سازد. پایبندی حزب‌الله به ولایت فقیه، فعالیت در دایره اسلام و اجرای احکام آن و رفتاری در چارچوب دیدگاهها و قواعدی است که ولی فقیه آن را ترسیم می‌کند.

۵-۱-۱) حزب‌الله لبنان و مبدا ولایت فقیه

حزب‌الله لبنان در دهه هشتاد میلادی زمانی در لبنان ظهور کرد که این کشور درگیر جنگ داخلی بود و از سویی دیگر اسرائیل تهاجم گسترده‌ای را به لبنان کرده بود. در واقع شکست گروه‌های فلسطینی و احزاب چپ لبنان در مقابله با این تهاجم، شکست نظریه‌های ملی‌گرایی عربی و ایدئولوژی‌های چپ مثل کمونیسم، بعث و ... را در پی داشت و زمینه را برای ظهور حزب‌الله

6. Sayyed Hasan Nasr'Allah
7. Times
8. Sheikh Naem Qasim
9. Seyed Ibrahim Al-Alamin

لبنان برای مقابله با این تجاوزات فراهم ساخت. حزب‌الله بلافاصله بعد از آغاز فعالیت‌هایش، در سال ۱۹۸۲، تشکیلات خود را جهت مبارزه تاسیس کرد. (Hamzeh, 2004: 4-52). دکتر علی فیاض^{۱۰}، نظریه‌پرداز حزب‌الله در این خصوص می‌گوید: «حزب‌الله به خاطر ارتباطش با ولایت فقیه دارای مشروعیت دینی است. مشروعیت دینی به حزب‌الله این فرصت را می‌دهد که با داخل شدن در حیطه اجتهادی و با استناد به صلاحیت‌های فقیه بتوانند در شئون سیاسی نیز دخالت کنند. این نظریه اهداف و فعالیت‌های سیاسی را که حزب‌الله در محدوده شرعی و دینی آن‌ها را عملی کرده است، تفسیر می‌کند» (ابوالنصر، ۱۳۹۰: ۲۰۳).

وفاداری و وابستگی حزب‌الله به اسلامیت در وهله اول و قبل از هر چیز در مفهوم ولی فقیه متمرکز است. پیوند حزب‌الله با ایران به‌عنوان یک دولت، فراتر می‌رود به‌گونه‌ای که جمهوری اسلامی را «مرجعیت ما» می‌نامد (غریب، ۱۳۸۶: ۱۲۹). عبارت جمهوری اسلامی، ایران اسلامی، دولت اسلامی یا انقلاب اسلامی که به وفور در زبان مسئولان حزب جاری است، جدایی میان ولایت و انقلاب اسلامی و دولت ایران را می‌پوشاند و ایران را نزد حزب‌الله به نماد و نهاد همه مسلمانان مبدل می‌سازد. بر اساس این پس‌زمینه است که باید نمادهای فرهنگی برگرفته از ایران را تفسیر کرد.

سیدحسن نصرالله در مصاحبه‌ای، در پاسخ به این پرسش که چرا ایران را شریک پیروزی خود در لبنان می‌دانید گفت: «به سبب اینکه پایه و اساس ایده‌ی مقاومتی که در لبنان شروع شد و به حرکت درآمد، در عمق، قدرت، فعالیت و جدیت خود، به امام خمینی (ره) برمی‌گردد. اوست که همه این ابعاد را به مقاومت بخشید». (رحمانی کفشگری، ۱۳۹۰: ۲۴). حزب‌الله از موقعیت و جایگاه ولایت فقیه به عنوان مرجع، برای جلوگیری از اختلافات فرقه‌ای که جهت کسب قدرت است، بهره می‌برد (Hizbullah's Documents, 1985: 40).

حزب‌الله در امور مهم و استراتژیک تشکیلاتش، تابع اوامر ولی فقیه است؛ ولی فقیه‌ی که در ایران حضور دارد که به نوعی وحدت در رهبری را ایجاد کرده است. عقیده به ولایت فقیه از بنیان‌های فکری و عقیدتی مهم حزب‌الله و نیز یکی از علل اصلی ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرایان شیعه لبنان در سال ۱۹۸۲ م و تشکیل جنبش حزب‌الله بوده است.

۵-۱-۲) جایگاه رهبر ایران در جنبش حزب‌الله لبنان

در نامه سرگشاده حزب‌الله آمده است: «تعهد خود را نسبت به دستورات رهبری یگانه، حکیمانه و عادلانه، ولی فقیه جامع‌الشرایط که در حال حاضر در شخص امام آیت‌الله خمینی (ره) تجسم یافته است، اعلام می‌داریم.» (فراتی، ۱۳۸۱: ۸۶). جرقه‌های اولیه تاسیس حزب‌الله ناشی از اندیشه‌های حضرت امام (ره) بود که توسط شاگردانش به بار نشست. حزب‌الله هم به لحاظ سیاسی و هم مذهبی از رهنمودها و فرامین امام خمینی (ره)، به‌عنوان ولی فقیه، اطاعت داشته است. بر این اساس می‌توان گفت حزب‌الله مبانی، اصول و ایدئولوژی خود را از امام (ره) دریافت نمود.

سیدحسن نصرالله در خصوص تمکین حزب‌الله از رهبری امام خمینی می‌گوید: «از نظر ما امام سمبل انقلاب علیه طاغوت‌ها، مستکبران و نظام‌های استبدادی است. ایشان، نظریه اراده ملتها در مقابل اراده مستکبران را احیا کرد. بدین ترتیب، امام برای ما بیش از یک سمبل دینی مطرح است، نه تنها برای ما، بلکه برای همه مستضعفان جهان.» (زمانی محبوب، ۱۳۸۷: ۵۸). پس از ارتحال امام (ره)، حزب‌الله رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را به‌عنوان ولی فقیه خویش شناخته است. پیروی و اطاعت حزب‌الله از مقام معظم رهبری، بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ چنانکه رهبر مقاومت حزب‌الله بر دستان ایشان بوسه زده و خود را سرباز ایشان معرفی می‌نماید.

در گفتگویی که خبرنگار هفته‌نامه تایم با سیدحسن نصرالله داشت، ایشان در جواب به این سؤال که «آیا خط مشی حزب‌الله را آیت‌الله خامنه‌ای، تابستان امسال که به ایران سفر کردید، برایتان تعریف کرد؟» چنین جواب داد آیت‌الله خامنه‌ای ولی فقیه است. او به‌عنوان ولی فقیه توصیه‌هایی به حزب‌الله می‌کند. اینکه رهبری به ملت توصیه‌هایی بکند طبیعی است. این همان نقش رهبری است. (تلویزیون المناره شبکه ماهواره‌ای المناره، برگرفته شده از سخنرانی‌های سیدحسن نصرالله).

۵-۱-۳) رویکرد حزب‌الله در ترویج نظریه ولایت فقیه

حمله اسرائیل به لبنان در تابستان سال ۱۹۸۲ توازن قدرت درون شیعیان را نیز بهم زد و ایران به تدریج لبنان را محل دلخواهی برای محقق کردن ایده خود دانست. تحت‌تأثیر ایران، طبقه جدیدی از روحانیون در لبنان شکل گرفت که متکی به سازمان شیعه در لبنان نبودند و اعمال و رفتارشان به مثابه نمایندگان امام خمینی بود. این شالوده‌ای بود که جنبش حزب‌الله لبنان بر مبنای آن شکل گرفت. حزب‌الله لبنان یک مکتب اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اسلام شیعی را بوجود آورد، مکتبی که خواستار ایجاد دولتی مبتنی بر شریعت در لبنان بود که بخشی جدایی‌ناپذیر از یک حکومت اسلامی یکپارچه به محوریت ایران و تحت فرمان ولی فقیه امام خمینی (ره) باشد.

وقایع داخلی ایران، حزب‌الله را تشویق کرد تا تفاسیر خود را از بر پایه آموزه ولایت فقیه تنظیم کند. در یک سخنرانی بعد از وفات امام خمینی (ره)، سیدحسین نصرالله این استدلال را مطرح می‌کند که ولایت فقیه، دارای ولایت بر همه مسلمانان جهان است زیرا برای هدایت امور همه مردم، به وجود یک والی دارای ولایت عمومی یعنی ولایت فقیه نیازمندیم (Nasrallah, 1989, 31). حزب‌الله از هم اکنون مشغول تبلیغ و ترویج ایده ولایت فقیه در گروه «پیشاهنگان امام‌المهدی» است، به گفته نشریات حزب‌الله یکی از اهداف این گروه «ایجاد یک نسل اسلامی، مبتنی بر اصول ولایت فقیه» است. در مرحله عضوگیری برای جنبش، از داوطلبانی که در مرحله «آمایش» هستند - یک مرحله یکساله مقدماتی برای پذیرفته شدن در حزب‌الله خواسته می‌شود درباره دیدگاه‌های خود توضیح دهند. (پایگاه اطلاع‌رسانی جهان اسلام، آموزش ایده ولایت فقیه <http://www.asnoor.ir>). با این وجود، افراد تازه وارد به‌عنوان بخشی از برنامه آموزشی ترغیب می‌شوند دیدگاه‌های جنبش را پذیرفته و درونی می‌کنند. از میان موضوعاتی که در طی مرحله آمایش آموزش داده می‌شود، برای مثال؛ می‌تواند به نقش جمهوری اسلامی ایران در برانگیختن مسلمانان، حمایت از حزب‌الله، زندگینامه امام خمینی و بحث در خصوص مرجعیت امام خمینی، اشاره کرد. (راست، ۱۳۹۱: ۱۷).

۵-۱-۴) پیروی حزب‌الله از خط امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) با شناخت نقش حزب‌الله در مسائل داخلی کشور و تأثیر آن بر حوزه سیاست، با آن ارتباطی ویژه و تنگاتنگ برقرار کردند. (حماده، ۲۰۰۱: ۱۵۹-۱۶۰). در دیدگاه حزب‌الله لبنان، حوزه سلطه سیاسی - اجرایی ولی فقیه نمی‌تواند به کشور ایران محدود و منحصر باشد که تنها دولت اسلامی شیعی در جهان است؛ زیرا ولی فقیه می‌باید بر شیعیان مومن تابع دولت‌های دیگر نیز سلطه سیاسی داشته باشد و اگرچه انقلاب اسلامی با ایران پیوند خورده و در آنجا شروع شده، ولی به آن کشور منحصر نشده است. (غریب، ۱۳۸۵: ۱۱۳). در این باره می‌توان به مصاحبه‌ای از سیدحسین نصرالله اشاره کرد:

مصاحبه‌گر از سیدحسین نصرالله در مورد افزایش درگیری‌های حزب‌الله با برادران شیعه امل، می‌پرسد، سید نصرالله برای پاسخ به سوال، با استفاده از مفهوم ولایت فقیه، در برابر رقیب (جنبش امل)، کسب مشروعیت می‌کند، وی می‌گوید: «حزب‌الله با داشتن یک دیدگاه سیاسی اسلامی روشن، از طریق یک ایدئولوژی ثابت و سازگار بر اساس عمل به اصول و خط مشی سیاسی امام خمینی (ره) و به اعتقاد ما به اصل ولایت فقیه تاسیس شد. اختلاف نظر ما با امل بر حول دیدگاه، روش، اصول بنیادی و ضرورت پیروی بدون قید و شرط از امام خمینی می‌چرخد» (Nasrallah, 1986, 26-27). بعد از رحلت امام خمینی (ره)، تکرر دیدگاه در مورد حکومت اسلامی مجاز شمرده شد. حزب‌الله از این تنوع اندیشه جهت انطباق بیشتر با تغییر شرایط در لبنان، استفاده کرد با این حال بسیاری از اصول اصلی آن حفظ شد. دو هفته پس از رحلت امام خمینی (ره) سید نصرالله همچنان موضوع انقلاب جهانی اسلام را مطرح کرد

(Nasrallah, 1989: 10). بعد از وفات امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای رهبری انقلاب اسلامی را برعهده گرفت. آیت‌الله خامنه‌ای در بسیج کردن نیروهای حزب‌الله برای رویارویی با تجاوزات رژیم صهیونیستی نقش اساسی ایفا کردند. مهم‌ترین و اصلی‌ترین حلقه اتصال و ارتباط میان حزب‌الله لبنان و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره) است.

۲-۱-۵) التزام فکری و عقیدتی سران حزب‌الله به ولایت فقیه

۵-۲-۱-۱-۱) - سیدعباس موسوی^{۱۱}

حزب‌الله لبنان از بدو پیدایش خود تا کنون سه دبیرکل را در راس خود دیده است. اولین دبیرکل این جنبش شیخ صبحی طفیلی^{۱۲} بود که در پاییز سال ۱۳۶۸ به سمت دبیرکلی حزب‌الله رسید، اما سیاست‌های غلط او باعث گردید تا شورای عالی حزب-الله در اردیبهشت ۱۳۷۰ «سیدعباس موسوی» را جایگزین وی کند. در حزب‌الله لبنان یک شورای عالی بر عملکرد دبیر کل نظارت دارد (حمزه، ۱۳۷۲: ۲۹). شهید سیدعباس موسوی که مدت زمانی از عمر خود را در عراق به شاگردی شهید محمد باقر صدر^{۱۳} در حوزه نجف گذرانده بود، از طریق ترجمه عربی بیانات و اندیشه‌های امام (ره) که بیت ایشان در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌داد، با تفکرات ایشان آشنا شد. «سیدعباس موسوی در پیروی از امام بیان کرده بودند: «در امام خمینی ذوب شوید همان گونه که او در اسلام ذوب شده است (زائری، ۱۳۸۶: ۱۷)».

ورود نیروهای نظامی ایران به لبنان برای آموزش نیروهایی که بعدها به نام حزب‌الله آوازه جهانی یافتند، فرصت بسیار مناسبی را فراهم آورد تا شهید موسوی بتواند در خدمت امام (ره) باشد. عباس موسوی از جمله اولین کسانی بود که توسط نیروهای ایرانی آموزش‌های نظامی لازم را دید و بلافاصله پس از آن که حزب‌الله با انتشار بیانیه‌ای با عنوان «پیام به مستضعفین جهان» به طور رسمی اعلام موجودیت کرد، به همراه تنی چند از رهبران این حزب به خدمت امام رسیدند، اهداف و برنامه‌های خود را برای ایشان شرح دادند. سرانجام در ۲۷ بهمن ۱۳۷۰ صهیونیست‌ها اتومبیل حامل او را مورد هجوم قرار دادند و وی را به همراه زن و فرزند ۶ ساله‌اش به شهادت رساندند (قاسم، ۱۳۸۳: ۱۷۶).

سیدعباس موسوی به واقع پیرو خط ولایت فقیه بود. به همین دلیل نیز در مراسم تدفین وی یک هیات عالی رتبه از مقام‌های ایرانی به سرپرستی آیت‌الله جنتی راهی بیروت شدند. در مراسم تشیع پیکر وی شرکت کنندگان تصاویری از امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و شهید موسوی را حمل می‌کردند و این به خوبی بیانگر اوج همراهی این شهید و حزب‌الله لبنان با آرمان‌های ولی فقیه بود.

۲-۲-۵-۱) سیدحسن نصرالله

سیدحسن نصرالله همواره بر اهمیت و نقش رهبری اعتقادی و ایمانی حضرت امام (ره) تأکید ورزیده است. او و تمام اعضای حزب‌الله معتقدند که بزرگ‌ترین و والاترین و بی‌منازع‌ترین شخصیت این قرن، امام خمینی (ره) است و تمام پیروزی‌ها و موضع‌گیری‌هایشان را بر مبنای اندیشه‌های دینی امام (ره) استوار کردند. (جعفرپور کلوری، ۱۳۸۹: ۲۰۹) گزیده‌ای ویدیویی از سخنرانی سیدنصرالله در اینترنت است هرچند که منبع و تاریخ و محل سخنرانی نامشخص است، البته این مسائل برای حامیان حزب‌الله کاملاً مشخص است، در این ویدیو سید نصرالله اظهارات دقیقی در مورد موقعیت و جایگاه ولایت فقیه مطرح می‌کند که این موقعیت و جایگاه همسان است با موقعیت رهبر انقلاب اسلامی ایران (Nasrallah, 1980). سیدحسن نصرالله معتقد است امام (ره) در شرایطی به میان لبنانی‌ها آمد که اسرائیل امت اسلامی را به ذلت کشانده بود. اما امام (ره) تلاش نمودند تا تجربه انقلاب اسلامی را به سایر ملل منتقل کنند. سیدحسن نصرالله را به واقع می‌توان ادامه دهنده راه شهید موسوی دانست. در دوره‌ی وی حزب‌الله فعالیت‌های خود را بسیار گسترش داده است.

سید نصرالله حمایت‌های بی‌دریغ مقام معظم رهبری از حزب‌الله را مورد قدردانی قرار داده است: «اگر بخواهیم در تشخیص حقایق با انصاف و عدالت عمل نماییم باید به این حقیقت اعتراف کنیم که رهبر عزیزمان، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، در همه‌ی لحظات مؤید، پشتیبان و یار و یاور رزمندگان بود» (محمد حسین، ۱۳۸۶: ۱۱۹) سخنرانی‌های سیدحسن نصرالله به خوبی بیانگر

11. Seyed Abbas Mousavi
12. Sheikh Sobhi Tufili
13. Mohammad Baqir Sadr

پیروی وی از ولی فقیه است. علاوه بر آن شیوه عمل او و همچنین سیاست‌هایی که دنبال می‌کند نیز این مساله را به خوبی نشان می‌دهد. نحوه برخورد با اسرائیل، سیاست‌هایش در قبال غرب و به خصوص آمریکا همه و همه این رویکرد را بیان می‌کند.

۵-۳-۱) امکان تشکیل جمهوری اسلامی لبنان

همه دولت‌های منطقه باید با یکدیگر متحد شوند تا یک دولت اسلامی فراگیر تشکیل دهند که لبنان نیز یکی از اجزای اصیل آن باشد و اگر چنین اتحادی میسر نشد، لازم است نوعی نظام جمهوری اسلامی در محدوده مرزهای کشور لبنان تشکیل گردد (Kramer, 1994: 30). اما این هدف نیز به سبب دشواری تحقق دولت اسلامی در لبنان، کنار نهاده شده است؛ زیرا نه تنها مسیحیان، دروزیان و سنی‌های لبنان با برپایی دولت اسلامی در آن کشور مخالفاند، بلکه بخش بزرگی از شیعیان آن کشور نیز با آن موافقت ندارند. طبق یک بررسی آماری که در سال ۱۹۹۲ به وسیله جودیت حریق^{۱۴} انجام شد، فقط ۱۳ درصد از شیعیان لبنان خواهان برقراری جمهوری اسلامی در آن کشور بوده‌اند (Harik, 1996: 56).

نظریه حزب‌الله درباره دولت اسلامی بر این اصل مبتنی است که شرط برپایی جمهوری اسلامی در لبنان به موافقت اکثریت مردم کشور منوط می‌شود. با وجود این، نباید این برداشت را تنها ناشی از وضعیت موجود لبنان دانست، بلکه باید آن را ناشی از یک اصل اعتقادی اساسی دین اسلام و یکی از عناصر سازنده تفکر حزب‌الله دانست که آن، عدم تحمیل اجباری اسلام بر اتباع دیگر ادیان است.

هدف اصلی حزب‌الله در لبنان برپایی انقلاب اسلامی بوده است، روشن است که رسیدن به این هدف، باعث کشته شدن دهها کمونیست در لبنان آن زمان می‌شد (A.R. Norton, 2007: 15). به اعتقاد اسلام‌گرایان معاصر، تشکیل یک حکومت اسلامی از سوی پیامبر اسلام (ص) و تعیین جانشین توسط آن حضرت، دلیل قاطعی بر نیاز همیشگی به برپایی دولت اسلامی است، اما در عین حال، بر مسلمانان واجب نیست که دیگران را به پذیرش یک دولت اسلامی مجبور کنند زیرا چنین حکومتی به شیوه ظالمانه و غیرقابل قبول به قدرت خواهد رسید (Bayat, 1996: 61).

طبق دیدگاه‌های سیدحسن نصرالله، تحمیل اجباری نوع حکومت با مفهوم واقعی دولت اسلامی در تضاد است؛ زیرا تشکیل یک دولت اسلامی، هدف نهایی نیست بلکه فقط وسیله‌ای برای محقق ساختن عدالت است. به اعتقاد وی، اکثریت پارلمانی بالای پنجاه درصد یا انتخابی بودن نخست وزیر برای تشکیل جمهوری اسلامی کفایت نمی‌کند، بلکه پذیرش اکثریت قاطع آن ملتی که در یک جمهوری اسلامی به سر می‌برد ضروری می‌باشد و پیش شرط آن هم رفراندوم عمومی و موافقت دوسوم یا بیشتر مردم است.

دبیرکل اسبق حزب‌الله شیخ صبحی طفیلی تصریح کرده است: «تکلیف واجب فقط این است که حزب‌الله در راه تحقق عدالت بکوشد؛ خواه آنکه این تلاش به ایجاد دولت اسلامی بینجامد یا نینجامد» (Kramer, 1994: 24). حزب‌الله در تمام دوران حیات خود مکرراً تاکید کرده است که هیچ اجباری در دین نیست و اینکه اسلام را با زور تحمیل نمی‌کند این موضع حزب‌الله نشان می‌دهد که امت اسلامی دارای درجه‌ای از حاکمیت است (Hizbullah's Documents, 1985: 44). آنها اطمینان دارند که اگر مردم لبنان بتوانند خودشان، آزادانه سیستم دولتی لبنان را انتخاب کنند، قطعاً سیستمی اسلامی را انتخاب خواهند کرد (Hizbullah's Documents, 1985: 40).

حزب‌الله می‌کوشد تا جامعه را از پایه و زیر بنا به صورت جامعه اسلامی در آورد و به تحمیل اسلام و الزام جامعه به پذیرش آن اعتقاد ندارد. یعنی تلاش بر اسلامی کردن جامعه دارد، که پیش شرط برپایی دولت اسلامی، حمایت و تایید اکثریت مطلق جامعه همانند ایران است.

۵-۳-۲) هویت اسلامی از نظر حزب‌الله لبنان

شیخ صبحی طفیلی برای روشن کردن اولویت هویت اسلامی بر وابستگی‌های قومی و نژادی، تصریح می‌کند: «ما خود را یک حزب لبنانی نمی‌دانیم، بلکه یک حزب اسلامی می‌شناسیم و لبنان تنها یکی از جنبه‌های مورد توجه و اهتمام ماست.»

(غریب، ۱۳۸۶: ۱۳۵) حزب‌الله مرزهای اقلیمی و حدود کشورها را به رسمیت نمی‌شناسد؛ به‌ویژه مرزهایی را که میان امت اسلامی جدایی می‌افکند و مانع از پیدایش و رشد هویت اسلامی اصیل می‌گردد. بر این مبنای، حزب‌الله مرزهای جغرافیایی - سیاسی میان فلسطین را مرزهای غیرطبیعی و ساختگی می‌داند.

سیدابراهیم امین‌السید می‌گوید: «نه تنها اولویت هویت اسلامی بر هویت اعتقادات لبنانی به‌حکم دینی ما واجب است، بلکه به‌حکم منطق نیز چنین است؛ زیرا «لبنانی بودن» نمی‌تواند در زمینه تعهد و وابستگی با «اسلامی‌بودن» برابری کند، لبنان چیزی بیش از یک تعبیر جغرافیایی فراتر می‌رود. بنابراین، حزب‌الله جغرافیایی بودن زمین را می‌پذیرد، اما جغرافیایی بودن فرد (انسان) را نمی‌پذیرد». (تلویزیون المناره، ۵ آگوست ۱۹۹۷). حزب‌الله، امت را فارغ از جغرافیا تعریف می‌کند و هنگامی که از امت اسلامی در ایران یا امت لبنان سخن می‌گوید، پیش فرض اساسی این است که کل مسلمانان یک هویت واحد را تشکیل می‌دهند و بر حسب تصادف هم چون گروه‌های بیگانه در گوشه و کنار جهان پراکنده‌اند. این پیش فرض از برخی اصطلاحات متداول حزب‌الله نیز استنباط می‌شود؛ یعنی به‌جای «جنبش اسلامی لبنانی» یا «مقاومت اسلامی لبنان» عبارات «جنبش اسلامی در لبنان» یا «مقاومت اسلامی در لبنان» به کار برده می‌شود.

حزب‌الله نه تنها با تقسیم‌بندی اسلام به گروه‌های قومی (مثلاً اسلام لبنانی) مخالف است، بلکه با تقسیم‌بندی اسلامی بر مبنای نژاد نیز موافقت ندارد (مثلاً اسلام عربی در برابر اسلام فارسی/ ایرانی) و ایده تفوق عربی را در اسلام محکوم می‌کند و تأکید دارد که از امت عربی تبعیت نمی‌کند. این نظر حزب‌الله، بازتاب اعتقاد امام خمینی بر مبنای وجود تعارض میان اسلام و عربیت است که عربیت را نمایانگر عصر جاهلیت پیش از اسلام می‌دانست (موسوی، ۱۴۰۸: ۲۰۵).

حزب‌الله می‌کوشد تا هویت اسلامی را در ذهن همه مسلمانان جای دهد، به‌گونه‌ای که این هویت بر همه وابستگی‌های قومی و نژادی آنان غلبه یافته، سرانجام به ایجاد یک امت مجاهد منجر شود تا بتواند اسرائیل را شکست دهد. آن‌گاه که چنین امتی پدید آید، برپایی یک دولت اسلامی بزرگ تحقق خواهد یافت که لبنان نیز جزء آن خواهد بود.

۶) تأثیرپذیری فکری و عقیدتی حزب‌الله از انقلاب اسلامی و ولایت فقیه ایران

به‌طور معمول، انقلاب‌های بزرگ، بر محیط خارجی خود تأثیر می‌گذارند و باعث ایجاد نوعی روحیه انقلابی در مردم کشورهای همسایه جهت برپایی انقلابی شبیه انقلاب خود می‌شوند که در این میان انقلاب ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و توانست کشورهای همسایه خود را تحت تأثیر قرار دهد که از جمله این کشورها، لبنان و جنبش حزب‌الله بود که عامل مهمی در تشکیل و تثبیت حزب‌الله شد. این تأثیرگذاری انقلاب در بسترهای متفاوت و با ابزارهای متفاوتی بوده است که حتی میزان تأثیرگذاری در هر زمینه، متفاوت بوده است.

۶-۱) زمینه‌های عقیدتی و مذهبی

به لحاظ تاریخی، لبنان از خاستگاه‌های اصلی تشیع بوده و سابقه این امر به صدر اسلام باز می‌گردد، یعنی زمانی که معاویه فرماندار شام، ابوذر غفاری صحابی مبارز حضرت علی (ع) را به این منطقه تبعید کرد. (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۱). مذهب تشیع به‌عنوان زمینه مهمی در اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران بر حزب‌الله و شیعیان لبنان مطرح می‌شود که این یکی از کارکردهای مذهب است که سرعت اشاعه و پخش رفتارها و اندیشه‌ها را در اجتماع انسانی شتاب غیرقابل تصویری می‌بخشد؛ بنابراین هم مذهب بودن ایرانیان با حزب‌الله لبنان نقش مهمی در اثرپذیری این حزب از ایده‌ها و اصول انقلاب اسلامی داشته است.

جبل عامل اهمیت خود را به‌عنوان یک مرکز آموزش مذهبی از دست داد زیرا بسیاری از طلبه‌های شیعه لبنان به اصفهان مسافرت کردند تا آموزش‌های دینی خود را در آنجا کسب نمایند. در قرون ۱۹ و ۲۰ کربلا و نجف به‌عنوان مراکز دانش شیعی ظهور کردند و در دهه ۱۹۲۰ قم اولویت پیدا کرده و هرچه بیشتر جبل عامل را تحت‌الشعاع خود قرار داد. با وجود آنکه جبل عامل، به‌عنوان مرکز آموزش دانش شیعی تحت‌الشعاع قرار گرفته، در عین حال ارتباط خود را با جوامع شیعی خارج از لبنان، از جمله نجف، کربلا و قم حفظ نموده است. این ارتباط بین جوامع شیعی عمدتاً از طریق علمایی از جبل عامل که در عراق و ایران تحصیل کرده‌اند، انجام گرفته است (شیری، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

در دوره‌ی پهلوی، روحانیون زیادی در نجف به تحصیل و کسب علوم دینی مشغول بودند و از این راه با علمای ایرانی مثل امام خمینی (ره) که دران شهر در تبعید بودند، در ارتباط بودند این روحانیون با اندیشه‌های فقهی سیاسی و مذهبی ایران بیشتر آشنا شدند و تفکرات علمای ایرانی بر آنان اثر گذاشت.

۶-۱-۱ نقش روحانیون در حزب‌الله

از ابتدای تأسیس حزب‌الله تاکنون، همواره اکثریت اعضای شورای حزب‌الله را روحانیون تشکیل می‌داده‌اند. سخنگو، دبیر کل و معاون دبیرکل حزب‌الله، همیشه از روحانیون انتخاب شده‌اند. اکثر این روحانیون شیعه لبنان از شاگردان آیت‌الله سیدمحمد باقر صدر بوده و با دیدگاه‌های سیاسی امام خمینی (ره) آشنا شده بودند. بنابراین، این طلبه‌های جوان لبنانی به کشورشان بازگشتند و آموزه‌های اسلام سیاسی و انقلابی را با خود به لبنان بردند (فضل‌الله، ۱۹۹۸: ۱۷).

یکی از تشابهات جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله، رهبری روحانیت در عرصه امور هر دو کنشگر بوده که این نیز از تاثیرات و نفوذ اصول و آموزه‌های جمهوری اسلامی ایران در میان حزب‌الله است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روحانیون لبنانی با مشاهده حضور مؤثر روحانیت در انقلاب اسلامی و همچنین حضور روحانیون در سیاست و حکومت ایران پس از انقلاب و همچنین تحت‌تأثیر دیدگاه‌های امام خمینی (ره) به سمت مسائل سیاسی کشیده شدند و با تأسیس و تشکیل حزب‌الله به فعالیت سیاسی - اجتماعی پرداختند و در رأس جنبش حزب‌الله قرار گرفتند.

از همان آغاز تشکیل و حرکت حزب‌الله، روحانیت نقش بسیار مهمی در آن داشته است. در ایجاد تشکیلات حزب‌الله روحانیونی نظیر سیدعباس موسوی، شیخ صبحی طفیلی، شیخ حسین کورانی، سیدحسن نصرالله، شیخ محمد یزیک، شیخ عقیف نابلسی و سید ابراهیم‌الامین نقش اساسی ایفا کردند (Asadollahi, 2000: 69). پس از تشکیل نخستین شورای رهبری حزب‌الله در سال ۱۳۶۱، اعضای این شورا به ایران آمده و با امام خمینی (ره) دیدار کردند و بدین ترتیب، ارتباط رسمی و تشکیلاتی مبتنی بر پیروی از ولایت فقیه، میان حزب‌الله و ایران برقرار شد.

۶-۱-۲ شکل‌دهی به ادبیات سیاسی و عقیدتی حزب‌الله

ادبیات عقیدتی و سیاسی حزب‌الله، نشانگر تاثیرپذیری این حزب از انقلاب اسلامی ایران است و واژه‌ها و اصطلاحاتی که در آثار و بیانیه‌های حزب‌الله یا شخصیت‌های این حزب در دهه هشتاد به کار برده می‌شد، برگرفته از واژه‌ها و اصطلاحاتی است که انقلاب اسلامی ایران رواج داده است. فرهنگ شعارهای حزب‌الله، عاریت گرفته شده از قاموس انقلاب اسلامی ایران است. در ادبیات سیاسی حزب‌الله، مسائلی از قبیل مسلمانان و ملل ضعیف جهان، تحت عنوان مستضعفان، آمریکا و شوروی به‌عنوان استکبار جهانی، اسرائیل غاصب به‌عنوان غده سرطانی، موضوع وحدت اسلامی برای مقابله با دشمنان خدا و اسلام، آزادی قدس و اینکه راه قدس از کربلا می‌گذرد، (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸: ۱۲۷) از فرهنگ انقلاب اسلامی و سخنان امام خمینی (ره) به عاریت گرفته شده بود. (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۶۹).

در دهه هشتاد و نود میلادی حزب‌الله در اتخاذ ادبیات عقیدتی و سیاسی و ابزارهای عملی کردن آن، به‌شدت تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران عمل کرده و می‌کند. برای نمونه، جایگاه «مسجد» در فعالیت‌های حزب‌الله، همانند جایگاه مسجد در انقلاب اسلامی ایران است. پرچم‌های ایران و پرچم‌های شیعی، از قبیل یا ابا عبدالله و یا مهدی ادرکنی بر فراز مساجد بر می‌افراشت. حزب‌الله از مناسبت‌های دینی و سیاسی همچون: برگزاری مراسم روز عاشورا و راهپیمایی روز قدس، تشییع پیکر شهدا، راهپیمایی‌ها و سخنرانی‌ها، به عنوان یک روش تبلیغاتی بهره می‌گیرد. گروهی از کارشناسان مسائل حزب‌الله استفاده از امکانات ویدئویی از سوی این حزب را همانند کاربرد نوار کاست در دوران انقلاب اسلامی ایران جهت انتقال پیام‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی (ره) به داخل کشور می‌دانند. (سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، <http://www.irdc.ir>).

حزب‌الله جهت تبلیغ اصول و ارزش‌های خود، تحت تاثیر روش‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران بوده است یعنی همان‌گونه که جمهوری اسلامی ایران از مساجد و بسیج و خطابه و سخنرانی و متوسل شدن به شور و احساسات مردمی جهت ترویج اصول و ارزش‌های خود استفاده می‌کند؛ حزب‌الله نیز از این شیوه‌ها برای تبلیغ آموزه‌ها و آرمان‌های خود بهره می‌گیرد.

۶-۲) زمینه‌های فکری و سیاسی

ساخت سیاسی جامعه لبنان، حزب‌الله را تحت‌تأثیر قرار داده و آن را مستعد پذیرش اصول و آرمان‌های انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کرده بود. عوامل سیاسی متعددی این زمینه‌تأثیرپذیری را فراهم کرده است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۶-۲-۱) سیستم طایفه‌ای لبنان

در سیستم سیاسی لبنان، قدرت میان سه طایفه اصلی مسیحیان مارونی، سنی‌ها و شیعیان به‌طور نابرابر تقسیم شده بود. که بیشترین قدرت در اختیار مسیحیان مارونی و سپس سنی‌ها قرار داشت. معیار این تقسیم‌بندی آمار سرشماری سال ۱۹۳۲ بود که به ترتیب مسیحیان مارونی، اهل سنت و شیعیان بیشترین جمعیت را داشتند. ولی باگذشت زمان، نسبت جمعیتی لبنان تغییر کرد و شیعیان لبنان نسبت به مسیحیان مارونی و اهل سنت جمعیت بیشتری یافتند. ولی تقسیمات سیاسی قدرت تغییری نکرد. «جامعه شیعه به‌طور کلی مورد غفلت و تبعیض دستگاه حکومتی قرار داشت. در سال ۱۹۴۶ تنها ۳/۲ درصد مناصب اداری و در سال ۱۹۵۵ تنها ۳/۶ در صدر آن‌ها در اختیار شیعیان قرار داشت. این آمارها نشان دهنده ضعف اساسی جامعه شیعه و ظلم و ستم حکومت به آنان بود (المرت، ۱۳۶۸: ۲۶۵). پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای عرب، از سنی‌ها و غربیان از مسیحیان مارونی حمایت می‌کردند. این امر سبب شده بود شیعیان لبنان خواهان کسب حمایت کشوری شیعی باشند؛ بنابراین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه شیعیان لبنان و بخصوص حزب‌الله بعد از تشکیل، متوجه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران شد (شیری، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

علاوه بر این، پس از جنگ جهانی دوم، طایفه‌های مذهبی مختلف از سوی قدرتهای خارجی حمایت شده‌اند، ولی در این میان فقط شیعیان لبنان بودند که هیچ‌گونه کمک خارجی نداشتند که این باعث محدودیت عملکرد و قدرت آن‌ها در جامعه لبنان می‌شد بنابراین شیعیان لبنانی به دنبال حامی برای خود می‌گشتند و در نتیجه متوجه جمهوری اسلامی ایران شدند که دارای اشتراک مذهبی با آن‌ها بود؛ بنابراین نظام طایفه‌ای بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اجتماع لبنان و ساخت جمعیتی آن، در حق شیعیان ظلم و اجحاف روا داشته بود و آن‌ها برای رهایی از این ظلم و ستم به‌سوی اندیشه‌های عدالت‌طلبانه جمهوری اسلامی ایران کشانیده شدند.

۶-۲-۲) عملکرد ظالمانه فئودال‌های شیعه لبنان

فعالیت‌های اسلام‌گرایانی نظیر امام موسی صدر و جلب اعتماد شیعیان به این گروه، زمینه‌ی مساعدی برای توجه به انقلاب اسلامی ایران فراهم کرده بود. بی‌توجهی حکومت و نیز فئودال‌های شیعه به شیعیان محروم لبنان، باعث شد که آن‌ها به‌سوی افرادی چون امام موسی صدر که به دنبال حمایت از شیعیان محروم و ایجاد زمینه مساعد برای زندگی آن‌ها بود، متمایل شوند. لذا اعتماد شیعیان به امام موسی صدر و همراهانشان جلب شد و روزه‌ای برای تأثیرپذیری از آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران گشوده شد.

در نیمه دوم قرن نوزدهم بر اثر اصلاحات ارضی صورت گرفته توسط عثمانی‌ها، گروه کوچکی از شیعیان لبنان که اراضی وسیعی را به دست آورده و به طبقه زعما (اشراف) معروف شده بودند، بر مناطق شیعه نشین حاکم شدند. در دولت لبنان علاوه بر آنکه حکومت، شیعیان را نادیده می‌گرفت، فئودال‌های شیعه (طبقه زعما) نیز به شیعیان کم‌توجهی می‌کردند. رهبران زمیندار شیعه در جستجوی شخصی قدرت بوده و نسبت به رفاه اجتماعی جامعه‌ی شیعه حساسیتی نداشتند (شیری، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

۶-۲-۳) مسئله فلسطین

بازتاب انقلاب اسلامی در منطقه عربی شرق مدیترانه کاملاً تحت‌الشعاع مسئله فلسطین، قدس و اسرائیل است. برای مثال در روزهای درگیری مردم ایران با نظام شاه که هنوز افق چندان برای پیروزی و سقوط حکومت پهلوی روشن نبود، شعار حمایت از مبارزات مردم فلسطین بر زبان مردم جاری بود. به‌طور مثال در راهپیمایی ۱۶ شهریور ۱۳۵۷ مردم تهران که از قیطره به‌سوی

میدان آزادی صورت گرفت، انبوه جمعیت در بین سایر شعارهای انقلابی و ضد شاه، شعارهایی به شرح زیر درباره فلسطین سر دادند: «قم، تبریز، فلسطین»، «امروز ایران، فردا فلسطین» (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

آواره شدن فلسطینی‌ها از سرزمین خود که به علت اشغالگری رژیم اسرائیل بود، باعث شد که دردها و مشکلات آن‌ها در معرض نمایش گذاشته شود که از سویی باعث حس انزجار نسبت به اسرائیلی‌ها و از سویی دیگر باعث حس همدردی و همکاری با فلسطینی‌ها شد که انقلاب اسلامی ایران هم می‌توانست به‌عنوان درمانی جهت این درد و رنج‌های فلسطینی‌ها مطرح باشد. در حقیقت مسئله فلسطین به‌عنوان زمینه‌ای جهت تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر شیعیان و بخصوص شیعیان لبنان مطرح می‌شود.

۶-۲-۴) تشکیلاتی شدن شیعیان

پس از اعلام استقلال لبنان، احزاب سیاسی زیادی در لبنان فعالیت داشته‌اند. برخی از احزاب طایفه‌گرا بوده و به دنبال تامین منافع طایفه مذهبی خاصی بودند و برخی دیگر که عمدتاً احزاب چپ بودند به‌صورت فراطایفه‌ای عمل می‌کردند. شیعیان لبنان به دلیل آنکه در محرومیت اقتصادی، فقر و نداری و حاشیه‌نشینی به سر می‌بردند، بیشتر به احزاب چپ متمایل شده بودند.

شیعیان در بسیاری از احزاب سیاسی از اولین روزها حضور داشتند. حمایت شیعیان از احزاب قومی (نظیر ناصری‌ها، حزب قومی سور، بعثی‌ها) و چپ‌گرا (نظیر حزب کمونیست لبنان، سازمان کار کمونیستی و ...) به دلیل ماهیت لائیک آنان نبود، بلکه در آن دوران هیچ جایگزین طایفه‌ای یا اسلامی پایداری وجود نداشت که شیعیان را به خود جذب کند. (سعد غریب، ۱۳۸۵: ۲۰) امام موسی صدر در سال ۱۹۶۷، مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان؛ در سال ۱۹۷۲، تشکیلات حرکت المحرومین و در سال ۱۹۷۵، (جنبش امل) گردان‌های مقاومت لبنانی را بنیان گذارد (شیری، ۱۳۸۹: ۱۴۲).

به دلیل عدم وجود احزاب اسلامی در لبنان، شیعیان به سمت احزاب چپ متمایل شدند و بسیاری از احزاب چپ رادیکال شیعیان را جذب کردند. امام موسی صدر پس از حضور در لبنان با مشاهده ناتوانی طبقه زعما در جذب جوانان شیعه و جلوگیری از جذب شیعیان به احزاب چپ و قومی، تشکیلات سیاسی، اجتماعی و مذهبی متعددی را ایجاد کرد. او با ایجاد این تشکیلات در پی رفع مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان و کل محرومان لبنان بود. رشد آگاهی سیاسی - اجتماعی شیعیان، زمینه مناسب و مساعدی جهت جذب افکار و اندیشه‌های انقلابی امام خمینی (ره) فراهم کرده بود بنابراین، با فعالیت‌های امام موسی صدر و جنبش امل، شیعیان لبنان قبل از انقلاب اسلامی، سیاسی شده بودند و تشکیلات مستقل سیاسی - اجتماعی داشتند.

نتیجه بحث

جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای نظام ولایت فقیه است دارای اصول هنجاری مانند دفاع از کیان اسلام و مسلمانان، اصل نفی ظلم و حمایت از مظلوم، وحدت امت اسلامی، دفاع از مستضعفین و کمک به نهضت‌های آزادی بخش است که این اصول بیشتر در حوزه سازه‌انگاری قرار می‌گیرند بر مبنای این اصول ایران به‌عنوان کشوری انقلابی و اسلام‌گرا در عرصه بین‌الملل مطرح می‌شود و لذا بر طبق هنجار حمایت از مستضعفین و کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش، به حمایت از حزب‌الله که به‌عنوان جنبشی آزادی بخش و اسلام‌گرا مطرح است، می‌پردازد. بر این اساس، ولایت فقیه ایران، حمایت همه جانبه‌ای را از حزب‌الله صورت می‌دهد بخصوص اینکه حزب‌الله، هم تشابه هویتی بسیاری به ایران دارد و هم اطاعت‌پذیری از ولایت فقیه ایران دارد، لذا جمهوری اسلامی ایران با محوریت ولایت فقیه نیز حزب‌الله را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متحدان خود شناسایی می‌کند و در این راستا، از آن حمایت می‌کند و در راستای نقش‌آفرینی در تحولات حزب‌الله، بیشتر از ابزارهای نرم و فرهنگی مانند صدور انقلاب و کنفرانس‌ها و سمینارها و ترجمه کتاب‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای و اعزام طلاب و ... استفاده می‌کند؛ یعنی ابزارهایی که جمهوری اسلامی جهت تأثیرگذاری بر حزب‌الله از آن‌ها سود می‌برد، بیشتر در حوزه فرهنگی و هنجاری قرار می‌گیرند که منطبق با مکتب سازه‌انگاری می‌باشد. و از طرف دیگر حزب‌الله نیز با انعطاف‌پذیری بیشتری، اطاعت از ولایت فقیه را پذیرفته است و آن را جز اصول اساسی مرام نامه خود قرار داده است و خواستار برقراری نظام جمهوری اسلامی مشابه نظام ایران در لبنان بوده است. از این رو دامنه تأثیر جمهوری اسلامی ایران از طریق نقش ولایت فقیه در تحولات حزب‌الله نیز بیشتر در حوزه‌های فکری و هنجاری و هویتی مانند گفتمان سیاسی و روش‌های تبلیغاتی، هویت اسلامی و ملی و قومی، ولایت فقیه، خط امام و مرجعیت

اسلام، سردمداری روحانیت و ماندان خلاصه می‌شود؛ بر این اساس این حوزه‌ها مورد تأکید مکتب سازه‌نگاری بوده و منطبق با آن می‌باشد.

اندیشه‌های ولایت فقیه جمهوری اسلامی ایران برای نقش‌آفرینی در تحولات حزب‌الله، تحت نام صدور انقلاب مؤثر عمل کرده است. امام موسی صدر، با ایجاد مجلس اعلا شیعیان و اتحاد نسبی میان آنان بر قدرت شیعیان در صحنه داخلی لبنان افزود. در واقع کانون تأثیر سیاسی بر جنبش حزب‌الله لبنان ناشی از نقش مهم حضرت امام خمینی (ره) در ایجاد این تشکیلات در لبنان بود. رمز موفقیت حزب‌الله، ارتباط قوی با ولایت فقیه و اطاعت از ایشان و الگوگیری از جمهوری اسلامی ایران بوده است. بر این اساس ولایت فقیه به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متحدان خود شناسایی می‌کند و در این راستا، از آن حمایت می‌کند از این رو ولایت فقیه ایران، سبمل و الگوی سیاسی برای حزب‌الله شد و ارزش‌های جدیدی را در مبانی فکری و عقیدتی و سیاسی حزب‌الله به وجود آورد.

کتاب‌نامه

کتاب‌ها

- المرت، جوزف، (۱۳۶۸)، شیعیان و حکومت لبنان، در کتاب تشیع، مقاومت و انقلاب، ترجمه اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی در حوزه‌ی معاونت امور بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اسداللهی، مسعود، (۱۳۷۹)، از مقاومت تا پیروزی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور
- اسداللهی، مسعود، (۱۳۸۲)، جنبش حزب‌الله لبنان: گذشته و حال، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- حشمت زاده، محمداقرا، (۱۳۸۵)، تاثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ابوالنصر، فضیل، (۱۳۹۰)، حزب‌الله، حقایق و ابعاد، ترجمه زیبا اکبر زاده، تهران: روایت فتح.
- بزی، محمد حسین، (۱۳۸۶) زبور مقاومت: حزب‌الله در کلام سید حسن نصرالله، تهران: شرکت چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹) ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت، قم: نشر اسراء.
- زائری، محمدرضا، (۱۳۸۶)، گفت‌وگو با سید حسن نصرالله، تهران: انتشارات عماد فردا.
- شیخ نعیم قاسم؛ (۱۳۸۳)، حزب‌الله لبنان: خط مشی، گذشته و آینده آن، ترجمه محمد مهدی شریعتمداری، تهران: اطلاعات.
- شیرینی، علی خسرو، (۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی ایران و شیعیان لبنان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۸)، روابط بین‌الملل (رویکردها و نظریه‌ها)، تهران: انتشارات سمت.
- کدیور، محسن، (۱۳۷۸) حکومت ولایتی، تهران: نشر نی.
- کلوری، راشد جعفریپور، (۱۳۸۹)، آزادترین مرد جهان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرادی، علی اصغر و فروتن، اباصلت، (۱۳۸۹)، واژه‌نامه فقه سیاسی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)

مقالات و نشریه‌ها

- زمانی‌محبوب، حبیب، (۱۳۸۷)، «تأثیر نگرش معنوی بر پیروزی مقاومت حزب‌الله»، معارف، شماره ۵۸.
- سعدغریب، امل، (۱۳۸۶)، «حزب‌الله لبنان، مقاومت، ارمان و سیاست»، نشریه چشم انداز ایران. شماره ۴۵.
- فراتی، عبدالوهاب، (۱۳۷۸) «نقش امام موسی صدر در ارتقای جایگاه شیعیان لبنان»، مجله علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، شماره ۲۴.
- نزار، حمزه، (۱۳۷۲)، «حزب‌الله لبنان: از انقلاب اسلامی تا سازش پارلمانی»، مرکز تحقیقات دانشگاه امام، صادق (ع)، دفتر مطالعات سیاسی. پیش شماره سوم،
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳)، «سیاست خارجی از منظر تکوین‌گرایی اجتماعی»، مجله راهبرد، شماره ۳۱.

منابع اینترنتی

- رحمانی کفشگری، مهدی، (۱۰ / ۰۶ / ۱۳۹۰)، «بررسی جایگاه ولایت فقیه در جنبش حزب‌الله لبنان»، <http://zamane.info>
- راست، یوری، (۱۲ / ۰۵ / ۱۳۹۱)، «حزب‌الله لبنان ولایت فقیه». سایت مهدویت
(<http://www.alvadossadegh.com/fa/article/freemasonry.html?id=20887>)
- پایگاه اطلاع رسانی جهان اسلام، (۳۱ / ۰۳ / ۱۳۹۱) «آموزش ایده ولایت فقیه»، <http://www.asnoor.ir1391/3/31>
- سخنان نصرالله، سیدحسن، (۱۲ / ۰۲ / ۱۳۹۲)، سایت المنار
- صمدی، علی، (۱۲ / ۱۰ / ۹۲) «تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر حماس و حزب‌الله لبنان»، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی
<http://www.irdc.ir/FA/content/29385/default.aspx>

منابع عربی

- الجوهری، اسماعیل بن حما، (۱۳۷۹)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دارالعلم للملایین.
- فضل‌الله، حسن، (۱۹۹۸)، حرب الارادات، بیروت: دارالهادی.

منابع لاتین

- Reus-smit, Christian (2005), "Constructivism", in Scott Burchill and Andrew Linklater, *Theories of International Relations*, Third Edition, Macmillan, London
- Kramer, Martin, (May 1994), *Hizballah: The Calculus of Jihad*, *Bulletin: The American of Arts and Sciences* 47, no 8
- Bayat, Mangol, (March 1996) 'The Iranian: Revoluion of Popular Suppprt fot Lebanon, s' *Hizballah, Journal of Confilict Resolution* 40, no1
- Gregory Rose, '(1983) *Velayet Faqih and the Recovery of Kslamic Identity in the Thought of Ayatollah Khomeini*' in *Religion and Politics in Iran*, ed Nikki Keddie (New Haven and London: Yale University Press,
- Judith Harik, (March 1996), Between Islam and the System: Sources and Implications of Popular Support fot Lebanon, s Hizballah, Journal of Conflict Resolution 40, no.1*
- A.N. Hamzeh, (2004), In the Path of Hizbullaha (Syracuse, NY: Syracuse University Press) M. Ranstorp, (1997), Hizb'allah in Lebanon: The Politics of the Western Hostage Crisis, forward by T.Waite, CBE (New York: St. Martin's Press, Inc)*
- Hizballah, 'The Text of Hizbullaha's Open Letter Addressed to the Oppressed in Lebanon and theWorld, (16 February 1985), ' in Hizbullaha's Documents.*
- A.R. Norton, *Hezbollah (۲۰۰۷) a Short History; With a New Afterward by the Author* (Princeton: PrincetonUniversity Press
- H. Nasrallah, (۱۹۸۰) Lecture on the Wilayat al-Faqih, edited by the Middle East Media Research Institute and entitled 'Hizbullaha Secretary-General Hassan Nasrallah before Assuming Office', circa mid to late 1980s. <http://www.youtube.com/watch?v=DOEiWzEdh2OU>
- H. Nasrallah, 'Al-Khaleej Interview with H. Nasrallah on 11 March 1986', in Noe, Voice of Hezbollah, ch.1
- H. Nasrallah, (۱۹۸۹) *Durus fi Khatt al-Imam [Lessons on the Line of the Imam]* (Beirut: Madrasat al-Imam al-Mahdi, 1410A.H. Aug.
- Al-'Ahd, 'Nasr-Allah (۱۹۸۹) *Talama baqiya fina Damm aw Ruh sa-nuhammil al-Thawrah ILA Kull al- 'Alim'* [Nasrallah: As Long as There Remains Blood or a Soul in Us We will Carry the Revolution to the Entire World], al-'Ahd, No.261, 23 June.